

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

فرستنده: الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۰۲ جون ۲۰۱۴

نکاح رهنمود مشورتی برای عقد نکاح ۲

آغاز محفل:

امام و عاقد نکاح چنین شروع و آغاز می کند:
برادران، علماء، دانشمندان، دوستان و جوانان محترم: افتخار داریم که امروز در این محفل مقدس شرعی و خوشی در مراسم عقد زواج و نکاح این دوجوان که به رضا و رغبت حاضر به عقد ازدواج گردیده اند، اشتراک به هم رسانیده ایم و ب زکات شرعی و امرخیر خویش مطابق سنت محمدصلی الله علیه وسلم آغاز می کنیم.

شهادت:

شهادت و یا گواهی دادن در امر ازدواج مطابق شرع اسلامی باید توسط دونفر دو مرد مسلمان عاقل و بالغ که هر دوی شان متصف به عدالت و امانت باشند، صورت گیرد.
پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم می فرماید: (لا نکاح إلا بولی وشاهدی عدل، وما کان من نکاح علی غیر ذلک فهو باطل) یعنی: «ازدواج بدون حضور ولی و دو شاهد عادل درست نیست و هر نکاحی که بدون این صورت گیرد، باطل است.» (ترمذی).

هدف از حضور دو شاهد عادل در عقد نکاح:

طوری که گفته شد، شاهدان باید عاقل و بالغ باشند و سخن طرفین عقد را بشنوند و بدانند که مقصود طرفین عقد از آن سخنان، عقد ازدواج است (اگر شاهدان کور باشند بایستی به یقین صدای طرفین عقد را از هم تشخیص بدهند و بشناسند). اگر گواهان نابالغ یا دیوانه یا کرا یا مست باشند، عقد نکاح صحیح نیست، چون وجود اینها از نظر شرع با عدم وجودشان، یکسان است.

اما در مورد عدل شاهدان:

امام ابو حنیفه (رح) می گویند:

عدالت گواهان شرط صحت عقد ازدواج نیست و با حضور گواهان فاسق نیز عقد نکاح صحیح است. هرکس شایسته ولایت ازدواج باشد، شایستگی گواهی و شهادت بر ازدواج را نیز دارد. چون مقصود از حضورگواهان اعلان ازدواج است.

امام شافعی (رح) می گویند:

به استناد به حدیث « لا نکاح إلا بولی وشاهدی عدل » حضورگواهان عادل را شرط می دانند. اگر عقد ازدواج با حضورگواهان مجهول الحال صورت گیرد دو رأی وجود دارد و مختار مذهب شافعی آنست که صحیح است.

چون ازدواج درروستاها و بیابان و میان عامه مردم صورت می گیرد که حقیقت عدالت آنان شناخته نیست و اعتبار عدالت ایجاد مشقت می کند، لذا به ظاهر حال اکتفاء می شود و کافی است که حالگواهان مجهول باشد و فسق آنها ظاهر نباشد. زیرا عادل کسی است که در ملاء عام مرتکب کبائر نشود و دارای فسق آشکار نباشد.

هرگاه بعد از عقد معلوم شد، که گواه فاسق بوده است اشکالی ندارد چون شرط عدالت آنست که فسق او ظاهر و آشکار نباشد و هنگام عقد فسق او مستور و پوشیده بوده است پس عدالت تحقق یافته است. اما اگر کسی تارک نماز باشد، در اینصورت شاهد گرفتن وی اعتبار ندارد و صحیح نیست شهادتی که بی نماز اند نباید از آنان در امر شهادت دعوت به عمل آید.

شرط مسلمان بودن شاهدان:

اگر ازدواج بین مرد و زن مسلمان باشد و هر دو مسلمان باشند فقها بدون اختلاف مسلمان بودن گواهان را شرط می دانند.

ولی اگر مرد مسلمان با زن غیر مسلمان ازدواج کند، در شاهد گرفتن غیرمسلمان اختلاف دارند. احمد و شافعی و محمد بن الحسن گویند با حضورگواه غیرمسلمان عقد ازدواج صحیح نیست، چون ازدواج برای مسلمان است و گواهی غیرمسلمان برآن قبول نیست.

امام ابوحنیفه و امام ابویوسف می گویند که اگر زن اهل کتاب باشد، شهادت دو نفر اهل کتاب جایز است.

شاهدان:

همانطوری که گفته شد : امام ، قاضی یا عالمی که مسئولیت انعقاد عقد نکاح را دارد در محفل عقد نکاح و به حضور حاضران از اعضای فامیل و دوستان فامیل های (داماد و عروس) ، دو نفر مرد عاقل، بالغ و مسلمان و یا یک نفر مرد و دو زن را که از محارم عروس باشند، به نزد عروس می فرستند تا از عروس (خطیبه) بپرسند که کی را به حیث « وکیل مهر و نفس » خویش تعیین می نماید .

شاهدان بعد از اخذ هدایت از نزد قاضی، به نزد عروس رفته و از وی می پرسند که کی را به حیث وکیل مهر و نفس خویش در قسمت عقد نکاح با جوان به نام (..... نام داماد – ناکح تعیین می کند؟)

پوښتنه د ناوی نه :

لطف او ایاست چی تاسی (د ناوی نوم او دپلار نوم) د محترم (د زوم نوم او دپلار نوم) سره د صحیح او شرعی نکاح په هکله خپل د مهر او نفس وکیل څوک ټاکلی دی او یا ټاکي؟

(عروس می تواند مانند داماد در مراسم ایجاب و قبول شخصاً حضور به هم برساند و خودش مراسم ایجاب و قبول را به جای آورد، البته با معیت ولی دختر و دونفر شاهد.)

معمولاً طوری مروج است که عروس به دفعه اول و دوم جواب شاهدان را نمی دهد و سکوت می کند. شاهدان باید برای بار دوم و سوم از عروس سؤال کنند، که کی را به حیث وکیل مهر و نفیس خویش تعیین می نماید. ضرور است که نام وکیل مهر و نفیس توسط دختر به صورت مشخص در برابر سؤال هر دو شاهد تذکر داده شود.

عروس درحین تعیین وکیل مهر و نفیس خویش باید چنین بگوید:

متن دری:

من (..... نام عروس.....) بنت (.....) در قسمت تعیین مهر و عقد نکاح صحیح و شرعی خویش با محترم (..... نام داماد.....) ولد (.....) محترم (کاکا، ماما، برادر کلان...) (..... نام وکیل.....) را به حیث وکیل مهر و نفیس خویش در قسمت عقد نکاح و تعیین مهر با محترم (..... نام داماد.....) ولد (.....) تعیین می نمایم.

پیشتر متن:

زه (.... دناوی نوم...) (.....) لورد محترم (... بنوم نوم.....) د (.....) زوی سره د صحیح، شرعی نکاح د عقد او د مهر د تعیین په برخه کی محترم خپل (کاکا، ماما، مشرورور...) محترم (... بوکیل نوم...) د شرعی وکیل به توگه انتخاب او ټاکم.

نام وکیل «مهر و نفیس توسط دختر به شاهدان گفته شده» و بعداً هر دو شاهد مکلف اند، نام وکیل مهر و نفیس دختر را برای قاضی یا امام و حاضران نیز به طور شرعی و قانونی اعلان بدارند.

حکم شرعی در مورد:

اجازه خواستن از زن قبل از ازدواج همانطوری که ازدواج بدون ولی جایز نیست، بر ولی نیز واجب است که از زنان تحت تکفل خود قبل از ازدواج اجازه بخواهد، و اگر زن راضی به ازدواج نباشد، ولی نمی تواند او را

مجبور کند، پس اگر بدون رضایت او (ولی) او را به عقد نکاح کسی در آورد، می تواند آن را فسخ کند:

در حدیثی از ابو هریره روایت است که پیامبر صلی اله علیه وسلم فرمود:

« لا تنکح الا حتی تستأمر، ولا تنکح البکر تسأناً، قالوا: یا رسول الله وکیف اینها؟ قال: أن تسکت » (بیوه تا از او دستور نگرفته ازدواج داده نشود، و دوشیزه هم تا از او اجازه گرفته نشود، به ازدواج کسی داده نشود. گفتند: ای رسول خدا، اجازه (رضایت) بکره چگونه است؟ فرمود: این است که ساکت بماند).

(صحیح سنن ابن ماجه (۲۱۰۰)، (لاروا ۶۱۸)، صحیح مسلم امام مسلم (۵۹۴-۵۹۶-۲).

همچنان در حدیث دیگری که از خنساء بنت خدام انصاری روایت است: « أن أباه زوجها وهي ثيب، فکهرت ذلك، فأنت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرد نکاحها » (او بیوه بود و پدرش بدون رضایت او، او را به عقد کسی در آورد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و نکاحش را باطل کرد). (صحیح سنن الترمذی (۴۱۸)، صحیح مسلم (۵۹۱-۸۸۶-۲)، (سنن الترمذی (۵۰۵-۹-۲).

و در حدیثی از ابن عباس (رض) روایت است: « أن جاریة بکراً أتت النبی (ص) فذکرت له أن أباه زوجها وهي کارهة، فخيرها النبی صلی الله علیه وسلم ». «

دختری (بکر- باکره) نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و به آنحضرت گفت که:

پدرش بدون رضایش، او را به عقد کسی در آورده است پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم، او را (فسخ عقد) اختیار داد).

(صحیح جامع الصغیر (۴۷۱۱)، الارواء (۶۱۱)، صحیح امام مسلم (۸۵۵-۵۹۱-۲)، سنن الترمذی (۹-۲-۵۰۵)).

مراسم شهادت شاهدین:

دو نفر شاهد بعد از اخذ موافقه و نظر عروس در مورد تعیین وکیل «مهر و نفس» به محل اجتماع حاضران مراسم عقد نکاح مراجعه نموده و منتظر ادای شهادت در برابر امام و حاضران منتظر شهادت، هستند. قاضی یا امام در ابتداء به شاهدان خوش آمدید گفته (و مطابق عرف افغانها) از شاهد اول می پرسد: از کجا آمده اید؟

شاهد اول:

بعد از بسم الله الرحمن الرحيم

آغاز به ادای شهادت می نماید: و در جواب سؤال امام که از کجا آمده است؟ می گوید از شهر وکالت.

قاضی یا امام ادامه داده می گوید و می پرسد:

چه آورده اید؟ شاهد اولی می گوید:

حکم وکالت

قاضی یا امام می گوید: لطفاً آن را بیان کنید.

شاهد می گوید: بسم الله الرحمن الرحيم

متن در:

اینجانب (... نام شاهد) أشهد شهادی می دهم به خاطر خدا نه از روی رياء که : المسمات بی بی (..... نام عروس - منکوحه) بنت (محترم) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد ، وکیل مهر و نفس خویش را محترم (..... نام وکیل مهر و نفس) - اگر از جانب شاهد به وکیل مهر و نفس که در مجلس حاضر است به دست نیز اشاره شود بهتر است) را تعیین نموده است.

متن پشتو - پښتو متن:

بعد له بسم الله نه داسې وائی: زه (... د شاهد نوم) په صداقت سره - أشهد و شهادی ورکوم د الله لپاره، نه د ریا لپاره چې پیغلي (..... د ناوی نوم) د (.....) لور چې په دی نوم او نسب بل لور نه لری ، خپل (کاکا، ماما ، مشر ورور.....) ښاغلی (..... دوکیل نوم....) د محترم (.... د شاه نوم ...) د (.....) زوی سره د صحیح، شرعی او قانونی نکاح د تړلو په هکله او د مهر د تعیین په برخه کې خپل شرعی وکیل د مهر او نفس انتخاب او ټاکلی دی. قاضی یا امام روی به طرف شخصی که نامش از جانب شاهد اول به حیث «وکیل مهر و نفس» ذکر گردیده است و قبلاً در نزدیک امام یا قاضی جا به جا گردیده است می پرسد : شما این وکالت را قبول دارید؟

وکیل مهر و نفس می گوید:

بلی من این وکالت را قبول کرده ام .

قاضی یا امام به اخذ شهادت شاهد دوم آغاز می کند و می گوید لطفاً شاهد دوم شهادت دهد !

شاهد دومی حاضر و آغاز به شهادت می کند و به مانند شاهد اولی این شهادت نیز تکمیل می شود.

قاضی یا امام روی به طرف شخصی که نامش (وکیل مهر و نفس) از جانب شاهد دومی هم به حیث «وکیل مهر و نفس» ذکر گردیده می پرسد: شما این وکالت را قبول دارید؟
وکیل مهر و نفس می گوید: بلی قبول کرده ام.

همچنان امام بعد از تعیین وکیل «مهر و نفس» دختر روی به طرف ناکح (شوهر آینده) نموده و می پرسد که:
محترم (نام داماد.....) شما که به خاطر عقد نکاح با پیغله بی بی (..... نام منکوحه - عروس ..) بنت (.....) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد و وکیل مهر و نفس خویش را (کاکا، ماما، برادر کلان... خویش) محترم (نام وکیل مهر و نفس.....) تعیین نموده است، می خواهید خودتان در این محفل به جواب ایجاب و قبول، بحث و توافق بر مهر بپردازید و یا مانند منکوحه می خواهید برای خود وکیل را تعیین کنید؟
متن اقرار در و پشتو ناکح (داماد) برای تعیین وکیل:

متن دری:

من (نام ناکح.....) ولد (.....) در قسمت عقد نکاح صحیح و شرعی خویش با پیغله (نام عروس....) بنت (.....) که به این نام و نسب دیگر دختری ندارد محترم (کاکا، ماما، برادر کلان... (نام وکیل.....) را به حیث وکیل در قسمت عقد نکاح و تعیین مهر تعیین می نمایم.

متن پشتو پښتو متن:

زه (.....) (نوم نوم...) د (.....) زوی د پیغله (نام دناوی نوم.....) د (.....) لورچې په دې نوم بله لورنه لری د صحیح، شرعی نکاح د عقداو د مهر د تعیین په برخه کې خپل (کاکا، ماما، مشرورور...) محترم (وکیل نوم...) د شرعی وکیل به توگه انتخاب او ټاکم.

در صورتی که شخصی از طرف ناکح برای وکالت تعیین گردد. امام باید از وکیل ناکح هم اقرار را در مورد اخذ نماید که این وکالت را قبول دارند یا خیر؟
امام و عاقد نکاح بعد از تعیین وکیل مهر نفس (منکوحه) و (ناکح، در صورتی که خواسته باشد) بحث خویش روی تعیین مقدار مهر شرعی آغاز می نماید.

یادداشت:

پدر وکیل و یا به اصطلاح افغانها، یعنی وکیل پدر. (وکیل مهر و نفس) در صورتی می تواند دختر پدر وکیل برای خود بگیرد که پدرش غائب باشد یعنی پدر در مسافرت باشد، پدر مفقود باشد، پدر بی نهایت مریض و یا مختل العقل باشد یا نتواند در مجلس عقد حضور به هم رساند و یا پدر فوت کرده باشد. در صورتی که پدر در مجلس عقد حاضر باشد، گرفتن پدر وکیل ضرورت نیست چنانچه پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم وکیل دختر خود بی بی فاطمه بود.

همانطوریکه گفته شد، به اصطلاح افغانها (پدر وکیل) شخصی است که مستقیماً از طرف دختر یا زن به حضور حداقل دو شاهد تعیین می گردد و دختر یا زن صلاحیت تعیین مهر و عقد نکاح خود را به او تفویض می نماید.
همچنان در دین مقدس اسلام در صورتی که پدر، برادر، کاکا، حضور نداشته باشد، عروس می تواند تا با تقوی ترین و داناترین شخص را از مجلس انتخاب کند و اگر چنین شخصی هم نبود، قاضی، رئیس جمهور یک کشور و یا پادشاه مملکت با این که حضور ندارند قانوناً از حقوق دختر حمایت و پشتیبانی می کنند.

برای یک زن بیوه و یا یک زن طلاق شده و یا دختر باکره که خودش از حقوق خود بتواند دفاع کند و بخواهند در مجلس حضور به هم رسانند، پدر وکیل ضرورت نیست و قانون اسلامی کشور در کشور های اسلامی حامی حقوق

وی است. قابل تذکر است که در شرایط امروزی در صورتی که در محفل عقد نکاح محارم زن باشد، عروس می تواند خودش در مراسم ایجاب و قبول شخصاً اشتراک کند.

مراسم تعیین مهر

اهمیت مسأله تعیین مهر در نکاح

قبل از این که در مورد مراسم تعیین مهر مطالبی را خدمت خوانندگان محترم به عرض برسانیم بهتر می دانیم در بدو کمی در مورد تاریخچه مهر روشنی بیندازیم .

حکمت و فلسفه مهر در تاریخ بشریت:

مؤرخان می نویسند، در زمانی که روابط بشری در بین خانواده ها از چندان قوتی برخوردار نبود، ازدواج بین انسانها نوعی تعامل اقوام به شمار می رفت. بنابر همین روحیه بود که ازدواج با هم خون و هم قبیله ممنوع بوده و هر کس برای ازدواج با دختری از قبیله دیگر اقدام به خواستگاری می کرد، و برای جلب توجه فامیل دختر به تناسب، زیبایی دختر و مشهور بودن فامیل مبلغی را به نام هدیه و مهر پرداخت می کرد. و حتی داماد حاضر میشود در بدل ازدواج با دختر مدتی را برای خسر خود کار فزیکمی نماید. بهترین مثال در این مورد ، داستان حضرت موسی علیه السلام می باشد که در قرآن عظیم الشأن با زیبایی خاصی بیان گردیده است. در داستان موسی علیه السلام آمده است:

بعد از این که موسی علیه السلام از مصر به مداین آمد در بدل ازدواج خویش ، مدت ده سال را برای خسر خویش شعیب وظیفه چوپانی به جای آورد .

به همه حال در زمانه های قدیم اگر پول به نام مهر پرداخت می شد و یا داماد کار فزیکمی در بدل مهر عروسی خود به عمل می آورد که به این ترتیب این مبلغ و یا جنس تأدیه شده به نام مهر و یا کار صورت گرفته به رئیس فامیل تعلق می گرفت و برای دختر یا عروس چیزی نمی رسید.

مهر در اعراب:

قبل از ظهور دین مقدس اسلام در اعراب نیز رسم و رواج مشابهی در باره مهر زنها جریان داشت. داماد مکلف بود، پول معینی را به پدر دختر و یا رئیس خانواده بپردازد. حتی آنده از فامیل های عرب که دختر های خویش را زنده به گور نمی کردند و در خانه های شان دختر متولد می شد، سایرین در تبریک نوزاد دخترشان می گفتند :

« هنیئا لک النافجه » یعنی تولد طفلی که برایت پول می آورد تبریک می گویم. این بدین معنا بود که پدران شان از ازدواج دختران شان پول به دست می آوردند ، با تأسف باید بگویم که همین خرافات دوران جاهلیت تا هنوز در برخی از مناطق کشور ما افغانستان نیز در جریان است و با تأسف نام آن را مراسم اسلامی نیز می گذارند .

اسلام ومسأله مهر:

همانظوری که ملاحظه نمودیم که مهر در نکاح (۲) دختر اختراع دین مقدس اسلام نبود، بلکه دین مقدس اسلام برای خانواده و ازدواج و به خصوص مهر قانون انسانی را وضع کرد ، و مهر را حق زن و قانونی عروس اعلام داشت، و قرآن عظیم الشأن با صراحت اعلام داشت : « واتوا النساء صدقاتهن نحلة فإن طبن لكم عن شی منه فكلوه هنیئا مرئیا »

(نساء آیت: ۴) و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید).

خواننده محترم!

طوری که ملاحظه فرمودید، دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی، مهر را حق زن دانست و آن را به زن متعلق ساخت، و گفت که پدر و یا ولی دختر و حتی شوهر حق تصرف در مهر را ندارد و مهر حق است که زن بر مرد دارد، و زن مالک آن است و برای هیچ کسی حلال نیست، خواه پدر باشد یا غیر پدر چیزی از آن را برای خود بردارد مگر این که زن بر اینکار راضی باشد.

مهریه، یکی از حقوق مالی زن در نظام خانواده است. دین مقدس اسلام این حق را به طور دقیق و عملی تنظیم نمود. مهر زن بر عهده مرد است و زن بر اثر ازدواج، مالک و صاحب آن می شود پس می تواند آن را از شوهر خویش مطالبه کند و به اختیار خود در آن مال تصرفات را به عمل آرد، استقرار این مالکیت نسبت به تمام مهر منوط به وقوع نزدیکی است، به عبارت دیگر نزدیکی (مجامعت) شرط مالکیت زن نسبت به مهر است.

برخی از فقهاء و حقوق دانان بر این عقیده اند که مهر عبارت از مالی است که بر موجب عقد نکاح، مرد ملزم به پرداخت آن به زوجه می گردد. اگرچه مرد وزن بارضا و رغبت خود عقد را منعقد می سازند، اما قانون مترتب برآن مهر را معین می کند. پرداخت مهر قبل از همه يك مكلفيت ديني و قانوني است. این درست است که عقد به رضا و رغبت خود صورت می گیرد؛ اما الزامات و تکالیف دینی و قانونی آنطوری که قانون معین نموده است، صورت می پذیرد. و قانون گذار نیز ضمانت اجراء و تطبیق این تکلیف را با توجه به نوع عقد و خصوصیت آن و اهمیت عوضین در آن معین کرده است. واجب نیست که تمام مهریه به هنگام عقد ازدواج فوراً پرداخت شود، بلکه جایز است که تمام مهریه یا قسمتی از آن به صورت قرض و دین باشد، و یا به شیوه اقساطی پرداخت گردد وزن بالغ و عاقل و دارای رشد فکری می تواند بعد از عقد ازدواج، شوهرش را از تمام مهریه و یا مقدری از آن تبرئه و حلال کند.

تعیین مهر در محفل عقد نکاح

تعیین مهریه در هر نکاحی واجب است، به دلیل فرموده الله متعال: «وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ» (نساء ۲۴).

یعنی: «برای شما ازدواج با زنان سوای این محرمات حلال گشته است و می توانید با اموال خود (از راه شرعی) زنانی را جویا شوید و با ایشان ازدواج کنید». که در این آیت حلال شدن زن مقید به دادن مهریه شده است. اما به اتفاق علمای مذاهب، ذکر مهریه در مجلس عقد به عنوان شرط صحت نکاح (رکن نکاح) تلقی نمی شود، و ذکر نکردن آن جایز است، به دلیل فرموده الله متعال: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ» (بقره ۲۳۶).

یعنی: «هیچ گناهی بر شما نیست اگر قبل از همبستری با زنان و در آن وقت که هنوز برای آنان مهری نیز معین نکرده اید (و در این موقع) آنان را طلاق دهید و (با هدیه ای مناسب حال خود) بهره مند سازید؛ آن کس که توانائی (مالی) دارد».

در این آیت حکم به صحت طلاق قبل از تعیین مهر داده، و بدیهی است که طلاق زمانی صحیح است که نکاحش صحیح بوده باشد.

همچنین علقمه از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که : «أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَلَمْ يَفْرُضْ لَهَا صَدَاقًا، وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا، حَتَّى مَاتَ ؟ فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ : لَهَا مِثْلُ صَدَاقِ نِسَائِهَا، لَا وَكَسَ، وَلَا شَطَطَ، وَعَلَيْهَا الْعِدَّةُ، وَلَهَا الْمِيرَاثُ، فَقَامَ مَعْقِلُ بْنُ سِنَانٍ الْأَشْجَعِيُّ، فَقَالَ : قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي بَرُوعِ بِنْتِ وَاشِقِ امْرَأَةً مِثْلَ مَا قَضَيْتَ، فَفَرَحَ بِهَا ابْنُ مَسْعُودٍ ». رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْأَرْبَعَةُ، وَصَحَّحَهُ التِّرْمِذِيُّ، وَحَسَنَهُ جَمَاعَةٌ.

یعنی : از ابن مسعود درباره مردی سؤال شد که با زنی بدون تعیین مهریه ازدواج کرده، و قبل از همبستری می میرد، (حکمش چیست ؟) ابن مسعود گفت : برایش به اندازه مهریه زنان اقاربش می رسد، نه کمتر و نه بیشتر، و باید عده بگذارد، و از آن ارث می برد . آنگاه معقل بن سنان اشجعی برخاست و گفت : رسول خدا صلی الله علیه و سلم درباره بروع دختر واشق زنی از طایفه ما (که همین ماجرا برایش اتفاق افتاده بود) به همین صورت حکم کرد، پس ابن مسعود خوشحال شد . احمد و « اربعه » روایت کرده اند، و ترمذی صحیح دانسته، و جماعتی آن را حسن دانسته اند.

وانگهی قصد از نکاح؛ وصال و استمتاع است، نه مهریه، بنابراین بدون ذکر مهریه هم صحیح است همانگونه که ذکرى از نفقه در مجلس عقد نکاح نمى شود.

یادداشت :

فقهائى مذهب امام شافعى و مذهب امام حنبل ذکر مهریه در مجلس عقد را مستحب مى دانند، و گفتند : چون پیامبر صلی الله علیه و سلم هر نکاحی که منعقد کرده مهریه را هم ذکر کرده است، و این کار (یعنی ذکر مهریه در مجلس عقد) باعث پیشگیری از خصومت می شود. (تفصیل موضوع در «مغنی المحتاج» (۳ / ۲۲۰)، و « مطالب اولی النهی » (۵ / ۱۷۴)، « المغنی » (۶ / ۷۱۲)، و «فتح القدیر» (۲ / ۴۳۴)، و « الموسوعة الفقهية الكويتية » (۱۵۱/۳۹) مطالعه فرماید .

انواع مهر :

در شریعت حداقل وحد اکثری برای مهر در نظر گرفته نشده ولی کم بودن و زیاده روی نکردن در آن مورد تشویق قرار گرفته است تا ازدواج به آسانی امکان پذیر باشد وجوانان به خاطر مهر و مخارج زیاد آن از ازدواج روی نگردانند. مهر را می توان به طور نقد یا نقد و قسط یا تمام قسط عند المطالبه پرداخت کرد ، برای مرد جایز است قبل از آن که مهر را پرداخت کند با همسرش آمیزش نماید، اگر مقدار مهریه معین نشده ، مهر المثل و اگر معین شده باشد پرداخت مقدار تعیین شده بر مرد واجب است، و از عدم وفا به شروط عقد جداً خود داری نماید، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: « أَحَقُّ مَا أَوْفَيْتُمْ مِنَ الشَّرْطِ ، أَنْ تَوْفُوا بِهِ مَا اسْتَحَلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ » (سزاورترین شروطی که باید به آن وفا کنید شروط نکاح است). (امام بخاری ۹-۲۱۷-۵۱۵۱) ، (مسلم ۱۴۱۸-۱۰۳۵-۲) ، (سنن ابو داود ۶-۱۷۶-۲۱۲۵) .

مهر:

فقهائ در تعریف مهر می گویند: مهر عبارت از مالی است که به مجرد عقد نکاح برای زن لازم می شود. مهر در مقابل تمتع شوهر حق خالص زن به شمار می رود و بر دو قسم تقسیم می گردد.

۱- مهر مسمی :

(مهری که در وقت عقد نکاح تعیین شود (خواه نقد باشد و یا جنس)).

۲- مهر مثل :

(عبارت از آن اندازه مالی است که به زن مماثل این زن از قوم پدری او پرداخته شده باشد.)

مماثلت دوزن در چیزهای ذیل معتبر است :

سن ، جمال ، عقل ، مال ، عفت ، دیانت ، علم ، بکارت ، ویا بیوگی همچنین مماثل بودن او صاف زوج معتبر است. پس اگر شوهر يك زن دارنده اوصاف خوبی باشد که شوهر زن دیگر آن اوصاف را نداشته باشد در آنصورت مماثلت بین دو زن وجود ندارد.

مهر مثل در آنصورت لازم می گردد که اندازه مهر در حین عقد نکاح تعیین واز آن نام نبرده باشند ویا هم مهر را قصداً نفی کرده باشند، در هر دو صورت مهر مثل لازم می گردد. چیزهایی که دارای قیمت باشند مثل زمین ، باغ ، کالا ، جواهر، حیوانات و غیره که صلاحیت مهر را دارند به شرطی که قیمت آن کمتر از ده درهم شرعی که حداقل مهر است نباشد.

تعیین مقدار مهر به اختیار زوجین ویا وکیل شرعی شان ، است به هر اندازه ای که اتفاق جانبین حاصل گردد. ولی مهر باید از ده درهم شرعی کمتر نباشد. در صورت کمتر نکاح صحت و جواز دارد. مهر حق زن است زیرا به قوامت مرد بر خود راضی می شود. ولی طوری که گفته شد ، مهر زن نباید سنگین باشد پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « خیرالنساء احسنهن وجوهاً وأرخصهن مهوراً » (بهترین همسر، زنی است که از همه خوب روتر وکم مهریه تر باشد).

در حدیث شریف از انس بن مالک روایت است:

که عبد الرحمن بن عوف نزدپیامبر صلی الله علیه وسلم آمد در حالی که آثار زردی (زعفران یا حنا) بر او دیده می شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از حال او پرسید ، (عبدالرحمن بن عوف) در جواب گفت که با زنی از انصار ازدواج کرده است.

پیامبر صلی الله فرمود : چقدر مهریه برایش قرار داده ای ؟ گفت به اندازه وزن يك خسته خرما طلا، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ولیمه بده اگرچه گوسفندی باشد. (بخاری ۵۱۵۳-۹۲۲۱) ، (مسلم ۱۴۲۷-۱۰۴۲-۲) .

آموزش قرآن در مهریه زن :

آموختن قرآن عظیم الشأن یا حدیث یا هر علم نافع دیگری به عنوان مهریه زن در شرع اسلام جایز می باشد، (طوری که در مذهب امام شافعی و امام احمد حنبل) برآن تأکید به عمل آمده است .

ولی امام مالک آن را مکروه دانسته و امام ابوحنیفه آن را جایز نمی داند. « المغنی » (۲۱۲/۷). استاد سید سابق رحمة الله در کتاب « فقه السنة » می نویسد :

شریعت اسلام برای حداقل و حداکثر مهریه میزانی را معین نکرده است و میزان آن را به تشخیص و توان مالی و امکانات و عرف و عادات مردم واگذار کرده است تا هرکس بر حسب توان و امکانات و عادات خود، آن را معین و مقرر دارد.

در نصوص دینی تنها چیزی که بدان اشاره شده است، آنست که باید مهریه چیزی باشد که دارای قیمت و ارزش (حسی و معنوی) است و به کثرت و قلت آن، اشاره ای نکرده است و توافق و تراضی متعاقدين شرط است پس مهریه می تواند یک انگشتر فلزی یا پیمانه ای از خرما یا آموزش قرآن و امثال آن باشد». سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه میگوید: « إِنِّي لَفِي الْقَوْمِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، إِذْ قَامَتِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ :

يَا رَسُولَ اللَّهِ ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ . فَلَمْ يُجِبْهَا شَيْئًا . ثُمَّ قَامَتْ فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ . فَلَمْ يُجِبْهَا شَيْئًا . ثُمَّ قَامَتِ الثَّالِثَةُ فَقَالَتْ : إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَكَ ، فَرَفِيهَا رَأَيْكَ . فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْكِحْنِيهَا . قَالَ هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : أَذْهَبُ فَاطْلُبُ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ . فَذَهَبَ فَطَلَبَ ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ : مَا وَجَدْتُ شَيْئًا وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ . فَقَالَ : هَلْ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ ؟ قَالَ : مَعِيَ سُورَةُ كَذَا وَسُورَةُ كَذَا . قَالَ : أَذْهَبُ فَقَدْ أَنْكِحْتُكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ» بخاری (۵۱۴۹) باب : التزويج على القرآن . ورواه مسلم (۱۴۲۵) . وفي رواية قال له : « انْطَلِقْ فَقَدْ رَوَّجْتُكَهَا فَعَلَّمَهَا مِنَ الْقُرْآنِ» . وفي رواية للبخاری : « أَمَلَكْنَاكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ» . ولأبي داود عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : « مَا تَحْفَظُ؟ » قَالَ : سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَالَّتِي تَلِيهَا ، قَالَ : « فَمَنْ فَعَلَهَا عَشْرِينَ آيَةً» .

یعنی: «زنی به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد وگفت: ای پیامبر خدا، من، نفس خود را به تو بخشیدم، آن زن برخاست و مدتی از آن گذشت، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا اگر خود بدان نیازی نداری، او را به عقد نکاح من درآور، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: چیزی داری که مهریه او قرار دهی؟ اوگفت: جز این جامه چیزی ندارم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر جامه‌ات را به وی بدهم، تو بدون جامه می‌نشینی، چیزی دیگر بجوی گفت: چیزی نمی‌یابم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چیزی را پیدا کن ولو این که یک حلقه انگشتری فلزی باشد. او جست و جو کرد و بالاخره چیزی نیافت. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا چیزی از قرآن را یادگرفته‌ای؟ اوگفت: فلان سوره و فلان سوره... را یادگرفته‌ام و نام آنها را برد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: او را به ازدواج تو درآوردم و مهریه او را آنقدر قرآن قرار دادم که یادگرفته‌ای که به وی بیاموزی». به روایت بخاری و مسلم.

و در یک روایت مسلم آمده : «برو او را به ازدواج تو در آوردم ، پس تو چیزی از قرآن به او یاد بده». و در یک روایت بخاری آمده : «تو را مالک او گردانیدم در ازای آنچه از قرآن یاد داری». متفق علیه و لفظ مسلم است .

و در روایت ابو داود از ابوهریره آمده : «چقدر از قرآن حفظ داری؟» گفت: سوره بقره و سوره بعد از آن را حفظ دارم، فرمود: «برخیز بیست آیت به او آموزش بده».

همچنین از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: «خطب أبو طلحة مع أم سليم ، فقالت : والله ما مثلك يرد، ولكنك كافر وأنا مسلمة ولا يحل لي أن أتزوجك، فإن تُسَلِّم فذاك مهري، ولا أسألك غيره، فأسلم ، فكان ذلك مهرها» أخرجه النسائي وصححه من طريق جعفر بن سليمان. «

یعنی: ابوطلحه از ام سلیم خواستگاری کرد. ام سلیم گفت: مثل ترا نمی‌توان جواب رد داد... ولی تو کافر و من مسلمان هستم و برای من حلال نیست که با تو ازدواج کنم اگر مسلمان شوی همین مسلمان شدنت مهریه‌ام باشد و غیر از آن چیزی از تو نمی‌خواهم و او مسلمان شد و مهریه‌اش مسلمان شدن ابوطلحه بود.

استاد سید سابق رحمه الله در کتاب « فقه السنة» می‌گوید: « این احادیث دلالت دارند بر این که مهریه را می‌توان چیز اندکی قرار داد و همچنین منفعت را نیز می‌توان مهریه قرار داد و بدیهی است که تعلم و یاد دادن قرآن منفعت است.

در مذهب امام ابو حنیفه : حداقل مهریه را ده درهم برآورد کرده‌اند، همانگونه که مالکیه آن را به سه درهم برآورد نموده‌اند، این برآورد متکی به دلیل نیست که قابل اعتماد و اعتبار باشد.

حافظ (ابن حجر) گفته:

در باره حداقل مهریه احادیثی آمده است که هیچ کدام به ثبوت نرسیده‌اند. ابن قیم درباره تعلیق بر این احادیثی که گذشت گفته است: این بود چیزی که ام سلیم برای مهریه خود و بخشیدن نفس خویش به ابوطلحه انتخاب کرد و اسلام آوردن او را به سود خود تلقی نمود و آن را بهتر از مال و دارائی می‌دانست که شوهر به همسر خود می‌دهد. و شرعاً مهریه هم به منظور سود و نفع زن مقرر گردیده است، پس هرگاه زن به دانش و دین و اسلام آوردن همسرش و قرائت قرآن

راضی‌گردد، این برای او بهترین و سودمندترین و بزرگترین مهریه می‌باشد، پس عقد خالی از مهریه نیست بنابراین بر آورد حداقل مهریه به سه درهم یا ده درهم را از کدام نصی استنباط نموده‌اند؟ ..

بعضی با آن مخالفت کرده و گفته‌اند: مهریه باید مال و دارائی باشد و منافع غیرمالی نمی‌توانند مهریه واقع شوند پس دانش مرد و تعلیم نمی‌تواند مهریه واقع شود همانگونه که امام ابوحنیفه گفته‌است که حداقل مهریه را سه درهم و ده درهم دانسته‌اند پس با مقتضای احادیث مخالفت نموده‌اند. در این باره سخنان دیگری نیز گفته شده که دلیلی از کتاب و سنت و اجماع و قیاس و قول اصحاب ندارند.

کسانی که گفته‌اند احادیث فوق اختصاص به پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد و فسخ شده‌اند و یا گفته‌اند که عمل اهل مدینه خلاف آنست، همه این دعاها دعوی بدون دلیل هستند و مردود می‌باشند چون پیشوای اهل مدینه از تابعین، سعید بن المسیب، دختر خود را با مهریه دو درهم نکاح کرد و کسی بروی خرده نگرفت بلکه آن را از فضایل و مناقب او شمرده‌اند.

و عبدالرحمن بن عوف زنی را با مهریه پنج درهم نکاح کرد و پیامبر صلی الله علیه وسلم چیزی نگفت. بدیهی است که مقادیر را صاحب شرع باید معین کند. برای حداکثر مهریه هم حدی معین و محدود نگردیده است. از عمر بن خطاب روایت شده که او بر بالای منبر نهی کرد از این که مهریه بیش از چهارصد درهم باشد. سپس از منیر فرود آمد و زنی از قریش بر او اعتراض کرد و گفت: مگر نشنیده‌ای که خداوند گوید: «وَأَتَيْنُمُ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا» (النساء: ۲۰) «و بعنوان مهریه مال فراوانی را بیکی از آنها داده بودید...» عمر گفت: معذرت می‌خواهم. همه مردم بیش از عمر فقه را می‌دانند. سپس برگشت و بالای منبر رفت و گفت: من شما را منع کردم از این که مهریه زنان را بیش از چهار درهم بدهید. من از این قول برگشتم، هرکس از مال خود هرچه دوست دارد به عنوان مهریه تعیین کند. سعید بن منصور و ابویعلی آن را با سند نیکو ذکر کرده‌اند.

(تفصیل موضوع را می‌توان در فقه السنه مطالعه فرمائید)